



نگاهی به بازتاب‌های مقاومت لبنان در افغانستان

ارمغان حزب الله

محمد فرخنده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کرده‌اند که حتی یادآوری آن‌ها برای‌شان عذاب‌آور است. وقتی خبر تجاوز نیروهای اسرائیلی از راه زمین و هوا به جنوب کشور اسلامی لبنان منتشر شد، هیچ‌کس از شهروندان کابل باور نمی‌کرد و آن را در حد یک شایعه می‌پنداشتند. مسلمانان شهر کابل در سکوت و وحشتناکی فرورفته بودند و قضایا را با ناباوری از رسانه‌های خارجی، به‌خصوص ایران، دنبال می‌کردند. آن‌ها جنگ، ویرانی، انفجار، قتل‌عام مردم و کشته‌شدن کودکان را بسیار دیده بودند، از این رو احساس ساکنان جنوب لبنان را به‌خوبی درک می‌کردند. این، در حالی بود که فضای بی‌اعتمادی در بین ملت و دولت افغانستان گسترده‌تر و ناراضی‌تری مردم از دولت و سیاست‌هایش روزبه‌روز علنی‌تر می‌شد. در آن زمان شیوه اطلاع‌رسانی رسانه‌های خبری دولتی و خصوصی افغانستان از تجاوز وحشیانه رژیم غاصب اسرائیل رضایت‌بخش نبود. سکوت یا غفلت مسؤولان دولتی افغانستان در مقابل این تجاوز، این گمان را تقویت می‌کرد که کم‌توجهی به این نبرد نابرابر، شاید طبق برنامه‌ای از پیش تعیین‌شده توسط نیروهای به‌اصطلاح حافظ صلح در افغانستان اجرا شده باشد، زیرا هم‌زمان با تهاجم اسرائیل به جنوب لبنان، عملیات «پورش کوهستان» توسط سربازان

سرانجام بعد از سی‌وسه روز، مقاومت دلیرانه حزب‌الله لبنان آن لحظه به یادماندنی‌ای را که جهان اسلام انتظارش را می‌کشید به‌زیبایی رقم زد. جهانیان، عقب‌نشینی ذلت‌بار اسرائیل غاصب از جنوب لبنان را به تماشا نشستند. این عقب‌نشینی تاریخی از این رو حائز اهمیت بود که رژیم ددمنش و سفاک اسرائیل، پایگاه شماره یک آمریکای سلطه‌گر در خاورمیانه به حساب می‌آید و آن را مورد حمایت همه‌جانبه‌اش قرار می‌دهد.

از سوی دیگر نظامیان اسرائیل با مدرن‌ترین تجهیزات نظامی و ادوات جنگی هوش‌مند در مقابل اراده آهنین نیروهای حزب‌الله سر فرود آوردند و به شکست خود اعتراف کردند.

درواقع نه تنها رژیم اشغال‌گر اسرائیل، بلکه تمام حامیان اسرائیل، به‌ویژه آمریکا، طعم تلخ شکست را با ناباوری چشیدند و از طرح خیالی خاورمیانه بزرگ دست کشیدند تا پیش از پیش در باتلاق آن گرفتار نشوند.

من در روزهای اولیه تجاوز وحشیانه نیروهای اسرائیل به لبنان، در کابل بودم. شهری که آرام‌آرام نفس می‌کشد تا ریه‌هایش را از بوی باروت و دود انفجارهای مداوم خالی کند. شهری که مردمش هنوز از جنگ وحشت دارند. مردمی که روزهای سختی را تجربه

امروز در شرق میانه و در قلب جهان اسلام، جنبش حزب الله عَلم دار اصلی مبارزه و مقاومت مسلحانه علیه اشغالگران صهیونیست و اسرائیل است

آمریکایی و نیروهای ایساف، با همکاری سربازان اردوی ملی افغانستان، در جنوب این کشور علیه نیروهای فراری طالبان که در آن روزها جسورتر شده و چند شهر را نیز تصرف کرده بودند، اجرا شد تا ذهن مردم و قوت اطلاع رسانی را، به جنگ زرگری جنوب افغانستان بکشانند و از اتفاق عظیم جنوب لبنان و فاجعه قتل عام زنان و کودکان با بمب‌های هوشمند منحرف سازند و با سانسور خبری جلو اعتراضات احتمالی مردم را بگیرند.

بسیاری از نشریات افغانستان هم با برخورد سلیقه‌ای از جنایات لشکریان غافل مانده بودند، اگر چه مردم مسلمان افغانستان در شهرهای مختلف این کشور دست به تظاهرات زدند و با فریاد مرگ بر آمریکا و اسرائیل پرچم‌های آن‌ها را به آتش کشیدند و از نیروهای حزب الله لبنان اعلام حمایت کردند.

فرورفتن آمریکا و اسرائیل در بحران‌های سیاسی و اقتصادی، بعد از شکست ذلت بارشان، مسأله کمی نیست که به راحتی بتوان از کنارش گذشت. این بحران می‌تواند سالیان سال چون کابوسی ویرانگر بر آن‌ها سایه افکند، آن چنان که تا حالا شاهد آن بوده‌ایم.

در این مقاومت رسانه‌های جهان اسلام نیز نقش تعیین کننده‌ای داشتند. زیرا مقاومت تاریخی سی‌وسه روزه نیروهای حزب الله لبنان باعث بازآفرینی غرور از دست رفته اعراب ترسو شد و تار پوشالی ارتش اسرائیل را به نمایش گذاشت.

رسانه‌های بسیاری هم، از آن سو، با همه امکانات به یاری اسرائیل آمده بودند تا حداقل جلوی رسوایی بیش‌تر صهیونیسم را بگیرند، اما رسانه‌های کشورهای اسلامی، به خصوص ایران، از نشریات گرفته تا رادیو و تلویزیون، با پوشش خبری زنده، یک‌تنه در مقابل همه رسانه‌های صهیونیستی ایستادند. در واقع جنگ لبنان جبهه دیگری برای رسانه‌ها گشوده بود که آن‌ها با پایداری از هر دو جبهه سرافراز شدند.

پوشش مناسب رسانه‌های ایران موجب شد تا مسلمانان شیعه و سنی، در هر جایی که بودند، حمایت‌شان را از مقاومت اعلام کنند و با راه‌بیمایی‌های مشترک، طرح اختلاف شیعه و سنی را که از سوی صهیونیست‌ها برنامه‌ریزی شده بود نقش بر آب کنند.

برخی نشریات افغانی نیز با مقالاتی در روشن‌گری و تحلیل این مقاومت دلیرانه کوشیدند که نمونه‌هایی از آن پیش روی شماست.

نعمت‌الله بهار، نویسنده افغانی در یکی از هفته‌نامه‌های کابل در آن روزها در مقاله‌ای با عنوان «حزب‌الله، کابوس بزرگ اسرائیل» چنین نوشت:

«اقدامات حزب‌الله و حماس در مقابله با رژیم اسرائیل عکس‌العمل‌ها، نتایج و آثار فراوانی در پی داشت، به گونه‌ای که اگر همین حالا نبرد میان نیروهای مقاومت اسلامی لبنان و رژیم اسرائیل پایان یابد، بدون شک جنبش حزب‌الله برنده میدان است و حتی می‌توان گفت که از این پس توازن قدرت هم به نفع این جنبش سنگینی خواهد کرد، زیرا اگر رژیم صهیونیستی در حملاتش چندین پل یا منطقه مسکونی را هدف قرار داده و منهدم کرده است، چیزی است که تاکنون در هر جنگی علیه لبنان انجام داده است، ولی حملات متقابل حزب‌الله در این جنگ، به قول خبرنگار شبکه الجزیره، همه را غافل گیر کرد و حتی سران تل آویو نیز به قدرت

این جنبش اعتراف می‌کنند و دیگر ناظران بی‌طرف هم پیش‌بینی می‌کنند که فرجام این نبرد به هر جایی که ختم شود، مسلماً این است که اسرائیل پیروز میدان نخواهد بود.

انسجام و سازمان‌یافتگی نیروهای مقاومت لبنان، شجاعت و توفندگی آن‌ها در حملات زمینی و هدف قراردادن عمق استراتژیک سرزمین‌های اشغالی و سرگردانی و ترس بی‌سابقه ساکنان مهاجر صهیونیست این سرزمین‌ها، همه از جمله وقایع جنگ کنونی است.»

عبدالجبار مولوی‌زاده، دیگر نویسنده افغان، به دور از مسائل سیاسی در مطلبی که در یکی از روزنامه‌های افغانستان در زمان مقاومت دلیرانه لبنان به چاپ رسیده بود، چنین نوشت:

«تکته بسیار مهم دیگری که در این خصوص باید مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد، رسوایی احزاب و گروه‌های تروریستی وابسته به القاعده است که با آن همه ادعا، شعار تبلیغاتی دروغین به ظاهر اسلام‌خواهانه، مانند موش‌های صحرايي در لانه‌های شان خزیده‌اند و به اسرائیلی‌ها برای ادامه جنایات‌شان در لبنان و فلسطین چراغ سبز نشان می‌دهند.

امروز در شرق میانه و در قلب جهان اسلام، جنبش حزب‌الله عَلم دار اصلی مبارزه و مقاومت مسلحانه علیه اشغالگران صهیونیست و اسرائیل است. به گفته سیدحسین نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان، جنگ ما بین همه امت اسلام و اسرائیل متجاوز محسوب می‌شود، کشور لبنان، به خصوص جنوب این کشور، حیثیت خط مقدم جبهه جهان اسلام را دارد.

مقاومت و نبرد شجاعانه جوانان و چریک‌های حزب‌الله، در برابر قوای مکانیزه و لشکر مجهز اسرائیل متجاوز، در حالی ادامه دارد که گروه‌های تروریست وابسته به وهابیت و القاعده در کشور اسلامی عراق دست به کشتار مردم بی‌دفاع می‌زنند. به راستی این گروه‌ها که در ظاهر علیه آمریکا، انگلیس و اسرائیل شعارهای عوام‌فریبانه سرمی‌دهند، چرا تفنگ‌های‌شان را به سوی عساکر (نظامیان) متجاوز اسرائیل غاصب نشانه نمی‌گیرند و برای آزادی بیت‌المقدس و بیرون‌راندن لشکریان متجاوز اسرائیل از خاک لبنان کمر همت بر نمی‌بندند؟»

بی‌گمان این نوشته‌ها بیان‌گر روح وحدت‌طلبی مسلمانان کشور افغانستان است.

اگرچه مردم سرافراز لبنان، در این جنگ نابرابر، شهدای بسیاری تقدیم آزادی‌خواهی اسلامی‌شان کردند و خسارات بسیاری را متحمل شدند، اما این مقاومت، برکات زیادی برای جهان اسلام در پی داشت و حالا که بیش از دو سال از این مقاومت سرافرازانه گذشته است، رسوایی‌های اسرائیل و حامیان غربی‌اش را بیش‌تر در عرصه بین‌المللی شاهدیم. در مقابل، وحدت‌طلبی مسلمانان نیز نمود بیش‌تری به خود گرفته است. مقالاتی که از سوی نویسندگان جهان اسلام، اعم از شیعه و سنی، در مطبوعات و رسانه‌های دنیا درباره حماسه سی‌وسه روزه لبنان انتشار یافته است، نمونه‌های روشنی از استواری این وحدت‌طلبی و آرمان‌خواهی اسلامی است.

آنچه مقاومت و پیروزی حزب‌الله لبنان را به ارمغان آورد، همانا وعده تخلف‌ناپذیر الهی بود که:

«لَا اِنَّ حِزْبَ اللّٰهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» ■